

تاریخ مشایخ صوفیه در «بیاض و سواد» سیرجانی

دکتر محسن جهانگیری
عضو هیأت علمی دانشگاه تهران
محسن پورمختار*

چکیده

خواجه ابوالحسن علی بن حسن سیرجانی از بزرگان صوفیه قرن پنجم هجری است. وی شیخ کرمان بوده و در آنجا داروخانه و اوقاف و مریدان بسیار داشته و مورد تکریم بزرگان صوفیه از قبیل ابوسعید ابوالخیر، خواجه عبدالله انصاری و هجویری قرار گرفته است. او که اهل سیر و سیاحت بوده در سیرجان در گذشته و آرامگاهش تا کنون باقی و زیارتگاه است. کتاب بیاض و سواد خواجه علی حسن، که تاکنون به صورت نسخه خطی مانده است، در واقع، طبقه‌بندی موضوعی اقوال مشاهیر صوفیه تا اواخر قرن چهارم است که در هفتاد و سه باب تنظیم شده است و بیش از سه هزار فقره از سخنان بزرگان قوم را در بردارد. یکی از مهمترین ابواب بیاض و سواد، «باب معرفه تاریخ مشایخ» است که در آن هفتاد و هشت تن از مشایخ صوفیه براساس منطقه جغرافیایی محل فعالیتشان تقسیم بندی و معرفی شده‌اند.

کلید واژه: بیاض و سواد، خواجه علی حسن سیرجانی، تاریخ تصوف



عرفان و تصوف، ستون فقرات فرهنگ جوامع اسلامی به شمار می‌رود. این پدیده عظیم اجتماعی، که از حدود قرن دوم هجری کم کم در ممالک اسلامی نمودار شد، در قرون چهارم و پنجم به اوج شکوفایی رسید. در این دوران طلایی تصوف، مردان بزرگی در این عرصه پدیدار شدند که اعمال و گفتار آنها در جوامع مسلمان کاملاً تأثیر کرد و این تأثیر روز به روز گسترش یافت. در زمینه شناخت این جریان فراگیر و چهره‌های برجسته آن، گرچه کارهایی انجام گرفته، آنچه شده در مقابل عظمت موضوع بسیار ناچیز می‌نماید.

یکی از دشواریهای تحقیق در زمینه تصوف، کمبود منابع معتبر و دست اول است. منابع ارزشمندی همچون تاریخ صوفیه سلمی از بین رفته و منابع قابل توجه دیگری به صورت خطی و غیر قابل بهره برداری عام در گوشه و کنار کتابخانه‌ها پنهان و دور از دسترس است. در این راه، کشف هر اثر معتبر و قدیمی می‌تواند چراغی پرنور به شمار آید که بر گوشه‌ها و زوایایی از تاریخ تصوف قرون اولیه اسلامی پرتو انداز شود.

خوشبختانه کتاب گرانقدر بیاض و سواد اثر خواجه علی حسن سیرجانی منبع بسیار ارزشمند و مهمی است که پس از هزار سال خمول اینک به عرصه تحقیقات تصوف وارد می‌شود.

در این مقاله ابتدا نویسنده و کتاب مذکور معرفی می‌شود و سپس یکی از ابواب مهم کتاب، که ارزش ویژه‌ای در شناخت تاریخ تصوف تا قرن چهارم هجری دارد از نظر می‌گذرد.

پسینه مشایخ

خواجه ابوالحسن، علی بن حسن بن علی سیرجانی (سیرگانی، کرمانی) معروف به خواجه علی حسن از بزرگان صوفیه در قرن پنجم هجری است. خواجه علی در سیرجان می‌زیست و در زمان او سیرجان، که تا اواسط قرن چهارم هجری مرکز ایالت کرمان به شمار می‌رفته (لسترانج، ۱۳۷۷: ص ۲۴) همچنان شهری پر رونق بوده است. این شهر در مدت زمان زندگانی خواجه علی حسن، عمدتاً در حاکمیت آل بویه بوده و مخصوصاً عضدالدوله دیلمی به آبادانی آن توجه بسیار داشته است (وزیری، ۱۳۶۴: ص ۳۴۲-۳۱۹). چنانکه مقدسی، جغرافی نویسنده معروف قرن چهارم، که خود ازین شهر دیدار کرده، آن را وسیعتر و بهتر از شیراز دانسته است (مقدسی، ۱۹۰۴: ص ۴۹۴). سیرجان که بین دو مرکز مهم تصوف یعنی فارس و خراسان قرار داشت (زرین کوب، ۱۳۸۰: ص ۶۸) خود نیز محلی برای اجتماع صوفیان محسوب می‌شد؛ چنانکه به علت فراوانی مقابر اولیا و عرفا از سوی ارباب تصوف «شام کوچک» لقب گرفته بود (کرمانی، ۱۳۵۶: ص ۱۳۲-۱۳۱).

خواجه علی حسن در سیرجان داروخانه‌ای داشته و اوقاف بسیار و کار به نظام و مریدان بسیار و ظاهراً مرید شیخ عمو ابواسماعیل احمد بن محمد حملی الصوفی، متوفی ۴۴۱ هـ. ق. (جامی، ۱۳۷۳: ص ۳۴۹) بوده است و تا زمانی که شیخ عمو زنده بوده به پاس حرمت او به ارشاد و دستگیری مریدان نپرداخته است (انصاری هروی، ۱۳۶۲: ص ۵۴۷).

خواجه اهل سیر و سیاحت بوده و سفرهای نیکو داشته است (هجویری، ۱۳۷۸: ص ۲۱۵) و نیز بر سر تربت شاه بن شجاع کرمانی (عارف معروف متوفای ۲۸۸ هـ در سیرجان) به اطعام فقرا می‌پرداخته است (عطار نیشابوری، ۱۹۰۵: ص ۳۱۵). خواجه همچنین رباطی داشته که در آنجا به دستگیری و ارشاد مریدان می‌پرداخته است و مسافران و زائران را به حضور می‌پذیرفته است (سلفی، ۱۹۹۳: ص ۱۵۹). این رباط که پس از وفات خواجه آرامگاه وی در آن قرار داده شده است تا سالها پس از مرگ او باقی بوده است؛ چنانکه در سال ۵۷۰ هـ. مؤیدالدین ریحان (از رجال دانشمند و سیاستمدار دربار سلاجقه) را در آن به خاک سپردند (محمد بن ابراهیم، ۱۳۴۳: ص ۱۳۶-۱۳۵) و در سال ۸۱۸ هـ. شاهرخ پسر و جانشین امیر تیمورگورکان به زیارت آرامگاه شاه بن شجاع کرمانی (که به احتمال نزدیک به یقین در همین محل واقع است) در همین مکان آمده است (سمرقندی، ۱۹۳۶: ص ۱۸۷).

خواجه علی حسن مورد اکرام و تجلیل تعدادی از بزرگان صوفیه قرار گرفته است؛ چنانکه مؤلفان اسرارالتوحید و حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر از قول شیخ ابوسعید نقل می‌کنند که او در ضمن وصایای زمان وفاتش از خواجه علی حسن به عنوان یکی از سه بزرگ صوفیه زمان خود نام می‌برد و تأکید می‌کند که پس از این سه تن، صوفیان را خواجه‌ای نیست (محمد بن منور، ۱۳۶۳: ص ۳۴۳؛ جمال الدین ابوروح، ۱۳۶۷: ص ۸۹-۸۸).

خواجه عبدالله انصاری هروی در طبقات الصوفیه نیز، سیرجانی را «پسینه مشایخ» خوانده است و حکایتی از وی نقل می‌کند که در آن خواجه به شیوه اهل ملامت رفتار کرده است (انصاری هروی، ۱۳۶۲: ص ۵۴۷ و ۵۳۹). علی بن عثمان هجویری در کشف المحجوب پس از یادکردی محترمانه از خواجه از پسر او به نام «حکیم» یاد می‌کند و او را مردی عزیز می‌داند (هجویری، همان). جامی در نفحات الانس و عطار در تذکره الاولیاء (عطار نیشابوری، همان) و حافظ ابی نعیم اصفهانی در معجم السفر (سلفی، همان) نیز با اکرام از خواجه علی بن حسن سیرجانی یاد کرده‌اند.

خواجه علی حسن پس از سیر و سیاحت‌های بسیار و ملاقات بزرگان و مشاهیر صوفیه روزگار خود و جمع‌آوری بسیاری از اقوال و اشعار و حکایات قوم، سرانجام در سیرجان

درگذشت و به احتمال بسیار در نزدیکی آرامگاه شاه بن شجاع کرمانی به خاک سپرده شد. بنای ساده آرامگاه خواجه در روستای نصرآباد سیرجان تا امروزه زیارتگاه روستاییان اطراف بوده و هست.

در باب تاریخ وفات خواجه، اگر روایت اسرارالتوحید و حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر را بپذیریم، باید قبل از سال ۴۴۰ هـ (تاریخ وفات شیخ ابوسعید) اتفاق افتاده باشد و چنانچه روایت خواجه عبدالله انصاری در طبقات الصوفیه را مبنا قرار دهیم، باید وفات خواجه علی بعد از سال ۴۴۱ هـ (تاریخ وفات شیخ عمو) اتفاق افتاده باشد. فریتز مایر (Fritz Meier) روایت خواجه عبدالله را ترجیح داده، روایت اسرار التوحید را ساختگی می‌داند (مایر، ۱۳۷۸: ص ۴۶۲). اسماعیل پاشا بغدادی در هدیه العارفین، وفات خواجه را حدود سال ۴۷۰ هـ ذکر کرده، اما منبع قول خود را نیاورده است (بغدادی، ۱۹۵۱: ص ۶۹).

به نظر می‌رسد خانواده خواجه علی حسن پس از درگذشت او همچنان موقعیت فرهنگی و دینی خود را برای چند قرن بعد حفظ کرده بودند؛ چنانکه در سال ۷۴۶ هـ یکی از بازماندگان او به نام ابومحمد علی بن محمد بن علی، خطیب سیرجان و ملقب به عماد، نسخه‌ای از کتاب جدش (بیاض و سواد) را برای محمود بن محمود حسینی، حاکم وقت سیرجان کتاب کرد. از آنجا که خواجه علی حسن در قرون چهارم و پنجم یعنی اوج شکوفایی تصوف اسلامی می‌زیسته و به تصریح هجویری، سیاح وقت بوده و سفرهای نیکو داشته به احتمال زیاد، بسیاری از مشایخ زمان خود از قبیل ابوسعید ابوالخیر، امام قشیری، علی بن عثمان هجویری، شیخ عمو، خواجه عبدالله انصاری و... را ملاقات کرده است؛ چنانکه به ملاقات او با شیخ سالبه بن ملک الممنع (جنید شیرازی، ۱۳۲۸: ص ۱۸۱-۱۸۰) و شیخ موسی بن عمران جیرفتی (ایران منش، ۱۳۷۲: ص ۹۲ و ۴۶) در منابع مکتوب تصریح شده است.

بیاض و سواد

اثر مهمی که از خواجه علی حسن به یادگار مانده است کتاب البیاض و السواد است که نام کامل آن «البیاض و السواد من خصائص حکم العباد فی نعت المرید و المراد» است. این کتاب که به زبان عربی نگاشته شده در واقع، طبقه‌بندی موضوعی اقوال، حکایات و اشعار مشاهیر و بزرگان صوفیه تا اواخر قرن چهارم هجری است. در مجموع کتاب، حدود ۳۳۰۰ فقره از این اقوال و اشعار و حکایات آورده شده است. این حجم زیاد مطالب و قدمت هزار ساله متن و

شخصیت مؤلف، ارزش بیاض و سواد را تا حد یکی از متون درجه اول مطالعات تصوف ارتقا می‌بخشد و آن را در ردیف «اللمع سراج» و «رساله قشیریه» قرار می‌دهد. بیاض و سواد از هفتاد و سه باب تشکیل شده و در آن تقریباً از جمیع موضوعات مورد علاقه صوفیه بحث شده است. مؤلف در ابتدای هر باب، آیه‌ای از قرآن و حدیثی از پیامبر که متناسب موضوع است، می‌آورد و گاه تأویل و تفسیری از آنها به دست می‌دهد. سپس اقوال مشاهیر صوفیه ذکر می‌شود و در میانه و غالباً پایان هر باب به ایراد ابیاتی چند از اشعار مورد علاقه صوفیه در موضوع مورد بحث می‌پردازد. در بعضی موارد نیز هر باب با چند حکایت آراسته می‌شود. بسیاری از اقوال و اشعار در کتابهای شناخته شده فعلی تصوف دیده نمی‌شود و آخرین شخصی که از او نقل قول می‌شود، شیخ ابو عبدالرحمان سلمی (متوفی ۴۱۲ هـ) است. خوشبختانه از این اثر ارزشمند نسخه‌های خطی معتبری موجود است که براساس آنها متن مصحح در آینده نزدیک منتشر خواهد شد.

تاریخ مشایخ صوفیه تا اواخر قرن چهارم به روایت سیرجانی

چنانکه قبلاً گفتیم در کتاب بیاض و سواد سیرجانی، بابی به تاریخ مشایخ صوفیه اختصاص یافته است. این باب که عنوان آن «باب معرفت تاریخ مشایخ» است، یکی از ارزشمندترین منابع مطالعه تاریخ تصوف است که تاکنون از دسترس محققان دور بوده است. در این باب ۷۸ تن از مشایخ صوفیه معرفی شده‌اند که آخرین آنها از لحاظ تاریخی ثقف بن عبدالله ابوالخیر حبشی متوفی به سال ۳۸۳ هـ است. سیرجانی باب تاریخ مشایخ را نیز مثل تمامی ابواب کتاب با آیه‌ای از قرآن کریم و حدیثی از پیامبر آغاز کرده است. سپس قبل از ورود به بحث اصلی، نظر سه تن از بزرگان صوفیه را درباره مشایخ درجه اول تصوف بیان کرده است. از قول اسماعیل بن نجید، جنید و ابو عثمان حیری و ابو عبدالله بن الجلا را به عنوان سه شیخی که چهارمی برایشان نیست معرفی می‌کند و از ابن الجلا روایت می‌کند که در بین ششصد شیخی که دیده است، ذوالنون، اباتراب نخشبی و ابو عبید بسری و پدر خود را از همه برتر یافته است. آنگاه توصیه ابو عبدالله بن خفیف را درباره اقتدا به پنج شیخ آورده: محاسبی، جنید، رویم، ابن عطا و عمر و مکی و هم از او نقل می‌کند که این پنج نفر علم و حقایق را با هم در خویش جمع داشته‌اند.

خواجه علی حسن در این باب، مشایخ مورد نظر را در ۸ گروه تقسیم و معرفی کرده است. گروه اول تحت عنوان «ذکر الاوحد من الاوتاد» که در آن برترین مشایخ از نظر او

معرفی شده‌اند و در ۷ گروه دیگر مشایخ را بنا به منطقه جغرافیایی زادگاه، یا محل فعالیت آنها تقسیم کرده است.

تقسیم‌بندی جغرافیایی مشایخ ابتکار جالبی است که ظاهراً قبل از بیاض و سواد در کتابهای مهم صوفیه، که به تاریخ مشایخ پرداخته‌اند، یا دیده نمی‌شود یا اینکه به طور بسیار ناقص و پراکنده وجود دارد؛ مثلاً کلابادی در التعرف ۱۲ تن از مشایخ را تحت عنوان کلی «و من اهل خراسان و الجبل» نام برده و بلافاصله معیار تقسیم بندی را عوض کرده است (کلابادی، ۱۳۸۰ هـ: ص ۲۹). اما خواجه علی حسن، مشایخ مورد نظر را در هفت گروه جغرافیایی مشخصی آورده که همین روش به تنهایی گویای اطلاعات ارزشمندی در باب جغرافیای زندگی مشایخ است که خود می‌تواند روشنگر بسیاری از جوانب شخصیتی و منابع احتمالی آموزه‌های آنان باشد. علاوه بر اینکه در باب مشایخی که ممکن است به چند منطقه منسوب باشند نظر غالب یا دست کم انتخاب خود را نشان می‌دهد؛ چنانکه حلاج را که غالباً بیضاوی خوانده‌اند نه در گروه مشایخ فارس که جزو مشایخ عراق آورده است.

در معرفی هر کدام از شیوخ، ابتدا فشرده‌ای از ویژگیهای شخصیتی فرد در قالب یک یا دو لقب ذکر می‌شود. این القاب بسیار دقیق انتخاب شده و نمایانگر ابعاد مهم وجودی شیخ مورد نظر است. گر چه تعداد اندکی از این القاب در مورد چند تن از شیوخ، ظاهراً از رواج عام برخوردار بوده است (مثلاً تاج الصوفیه برای شبلی یا لسان التصوف برای خرازی)، غالب این القاب (منحصر) به این کتاب می‌نماید که به احتمال بسیار، ساخته خود خواجه است و اگر هم از منابعی اخذ شده باشد، آن منابع از بین رفته است. پس از القاب، نام کامل شیخ می‌آید و سپس در دو سه سطر به معرفی او پرداخته می‌شود. این معرفی‌ها شامل مهمترین نکات زندگی و شخصیتی و در غالب موارد، تاریخ درگذشت فرد مورد نظر است. بسیاری از مطالب ذکر شده در مورد شیوخ معرفی شده تازه است و اطلاعات تازه‌ای در مورد آنها می‌دهد یا موارد مورد اختلاف را روشن می‌کند؛ به عنوان مثال، تاریخ درگذشت شاه بن شجاع کرمانی در منابع درجه اول تاریخ تصوف موجود (مثل طبقات الصوفیه سلمی و رساله قشیریه و نجات الانس) همواره به صورت (قبل از سال سیصد هجری) ذکر شده اما در بیاض و سواد دقیقاً تاریخ ۲۸۸ هـ آمده است. علاوه بر این در مورد شاه کرمانی این پرسشها نیز مطرح بوده که آیا وی چنانکه بعضی گفته‌اند خراسانی بوده یا کرمانی و آیا در خود کرمان می‌زیسته یا در سیرجان که در قرون اولیه اسلامی مرکز ایالت کرمان بوده و آیا آرامگاه وی در کرمان است یا در سیرجان

و یا بنا به بعضی نظرها در نیشابور. پاسخ همه این سؤالات در نیم سطر این باب آمده است که «...کان خراسانی الاصل نزیل السیرجان و بها قبره».

در مورد اغلب مشایخ معرفی شده در این باب این نکته صادق است که اگر قدمت هزارساله کتاب و شخصیت مؤلف را به عنوان یکی از شیوخ بزرگ صوفیه که در ضمن اهل سیر و سیاحت و دیدار با مشایخ بوده و اطلاعات بسیاری را چه بسا از منابع درجه اول کسب کرده است نیز در نظر بگیریم، اهمیت این باب در مطالعات تاریخ تصوف به مراتب افزایش می‌یابد.

در ذیل، ضمن معرفی شیوخ مذکور در هر گروه، یک نمونه از هر طبقه به عنوان الگوی کار مؤلف ذکر می‌شود.

ذکر الاوحاد من الاوتاد

در این گروه هفت تن از مشایخ صوفیه که از دید خواجه علی از سایرین برتر بوده‌اند معرفی شده‌اند:

ابوتراب نخشبی، ابویزید بسطامی، شاه بن شجاع کرمانی، علی بن سهل اصفهانی، سهل بن عبدالله تستری، ابراهیم خواص و ابوعبدالله مغربی.

* بحر التوحید و صراط اهل طیفور بن عیسی ابو یزید البسطامی عبّر بعلمه الی حیث تتهیه فیہ الفہوم کما عبّر بفعله الی ما یتحیر فیہ العقول، رحمہ اللہ علیہ، توفی سنہ احدی و ستین و مأتین.

ذکر شیوخ الحجاز

در این گروه ده تن از مشایخ منطقه حجاز، که غالباً ساکن مکه بوده‌اند، معرفی شده‌اند: ابوعبدالله مکی، ابوبکر کتانی، ابویعقوب نهرجوری، مزین، ابوعمر و زجاجی، ابوسعید اعرابی، ابوالقاسم مدینی، ثقف بن عبدالله حبشی، ابوالحسن سیروانی و ابو عقال بن عنوان.

* معدن الفہم و منبع العلم احمد بن محمد العنزی، ابوسعید الاعرابی کان احد مشایخ الحرم فی وقتہ تکلم بعلم القوم باحسن العبار، رحمہ اللہ علیہ، توفی سنہ احدی و اربعین و ثلاثمائه.

ذکر مشایخ العراق

در این گروه پانزده تن معرفی شده‌اند:



سری سقطی، جنید، ابوسعید خرازی، رویم، شبلی، جریری، سمنون، مسوحی، احمد بن سهل، حلاج، ابوجعفر حداد، جعفر خلدی و ابوالحسن حصری.

* قتیل الدعوی و حریق المعنی الحسین بن منصور ابومغیث، قد اقام نفسه بین الصدق الاعلی و الکذب الادنی، الناس متحیرون فی حاله، ما نزل به ما نزل الّا لرجحان صدقه فی حاله اولخیانه نفسه فی اظهار شأنه و هو عند شیوخ القصه بین قبول و ردّ، بل الی الرد اقرب، رحمه الله علیه، قتل سنه سبع و ثلثمائه.

ذکر سادات الشام

در این گروه سیزده تن معرفی شده‌اند:

ابوسلیمان دارانی، احمد بن ابی الحواری، احمد بن عاصم انطاکی، طاهر مقدسی، ابو عبید بسری، ابوعبدالله بن الجلا، ابوعمر و دمشقی، ابوامیه ماحوزی، ابوشعیب المقفع صالح، بلال خواص، حذیفه مرعشی، دقّی، ابوعبدالله رود باری.

* قائد القوم و کهفهم ابوشعیب المقفع صالح، کان قد حج سبعین حجاً راجلاً، احرم فی کل حجاً من عند الصخر و دخل بادیة تبوک علی التوکل، رحم الله علیه، توفی سنه ثنین و ثمانین و مأتین.

ذکر مشایخ مصر

در این گروه شش تن معرفی شده‌اند:

ذوالنون، بنان حمال، ابوبکر زقاق، شبابک مصری، حصری و ابوعلی رودباری.

* شطاح القوم و معدن اللوم شبابک المصری ابوالحدید، له اشعار فی دقائق العلوم و الفاظ فی الشطح.

ذکر اشیاخ فارس

در این گروه ده تن معرفی شده‌اند:

ابوعمر اصطخری، جعفر حذاء، ابوبکر طمستانی، هشام بن عبدان، مؤمل جصاص، حسن بن حمویه، ابوالحسین قرشی، بندار بن حسین و ابوعبدالله خفیف.

* ناقد المذهب و امین اهله محمد بن خفیف ابو عبدالله الضبی، کان من اعلم المشایخ، خاتم الصوفیاء من السلف و مزرعاً المتصوفاء فی الخلف، رحمہم اللہ علیہ، توفی سنہ ۱۱۱۱ھ و سبعین و ثلثمائاً.

ذکر مشایخ خراسان

در این گروه ده تن معرفی شده‌اند:

ابوحفص نیشابوری، احمد بن خضرویه، حاتم بن عنوان، حمدون قصار، محمد بن فضل بلخی، ابو حمزه خراسانی، مرتعش، ابوبکر واسطی، ابو عثمان حیری و نصرآبادی.
* شجاع القوم و کریمهم حمدون بن احمد ابوصالح القصار، سلک طریق الرجال و طرح رعوناً النفس، تکلم بعلوم یشکل الّا عن اهله، رحمہم اللہ علیہ، توفی بعد الثمانین و مأتین.

ذکر شیوخ جبل

در این گروه هشت تن معرفی شده‌اند:

یوسف بن حسین رازی، یحیی بن معاذ، ابوبکر ابهری، ابراهیم بن شیبان، ممشاد دینوری، ابوبکر کسائی، عیسی قصار و ابو عبدالله دینوری.

* راصد المذهب و مرشد اهله، ابراهیم بن شیبان، صحب اباعبدالله المغربی، کان اشد الخلق علی المدعین، رحمہم اللہ علیہ، مات بقرمیسین و بها قبره.

پایان بخش باب تاریخ مشایخ، هفت بیت از اشعار حسین بن منصور حلاج است با مطلع:

انعی الیک نفوساً انت شاهدھا
فیما ورا الحیث بل فی شاهد القدم

- شرح شطحیات روزبهان بقلی شیرازی و تاریخ مشایخ بیاض و سواد سیرجانی

در باب تأثیری که کتاب بیاض و سواد بر کتب عرفانی بعد از خود داشته است، فعلاً سخنی به قطع نمی‌توان گفت، اما به نظر می‌رسد که روزبهان بقلی در فصل «فی اسماء المشایخ و نعوتهم» کتاب شرح شطحیات خود از باب «معرفه تاریخ مشایخ» بیاض و سواد استفاده کرده باشد و این امر با توجه به نزدیکی زمانی روزبهان به خواجه علی و نیز نزدیکی مکانی فسا و شیراز به سیرجان بسیار محتمل است. در ذیل، چند مورد از شباهتهای القاب مشایخ در دو کتاب آورده می‌شود (بقلی شیرازی، ۱۳۴۴: ص ۴۴-۳۵).

شرح شطحيات	بياض و سواد
مصنف خزانه الحكم و صندوق المعرفه و ممدوح الصوفيه، شاه بن شجاع ابوالفوارس، از محققان يکي بود، خداوند براهين و آيات...	خزينه الحكم و ممدوح اهله، شاه بن شجاع، ابوالفوارس الکرمانی، کان احد المتحققين في شأنه له دلائل و براهين...
جنيد بن محمد ابوالقاسم، مرجع کل در هرفن...	جنيد بن محمد الخزاز ابوالقاسم... المرجوع اليه في كل فن
مسند عارفان و شمشير شطاحان... و پيش رو مخلصان در زمان خویش، ابوالحسن النوری، او را بود زبان حقايق...	سند القلوب و سيف اهله احمد بن محمد ابوالحسين النوری، کان احد المخلصين في وقته و القائلين بالحق...
حسين بن منصور الحلاج، قتيل دعوى و حريق معنى	قتيل الدعوى و حريق المعنى الحسين بن منصور
مصباح حقيقت... ابو عبدالله صبيحي، دقيق الكلام بود... که سی سال در سربى مجاهده کرد و بيرون نيامد.	مصباح العلم... ابو عبدالله الصبيحي... دقيق الكلام... لم يخرج من سرب ثلثين سنه يجتهد فيه...
بحر فهم... ابوسعيد الخراز، ناطق علوم حقايق بود از بحر دقايق خوردی...	بحر الفهم... ابوسعيد خراز، کان من الناطقين في علوم الدقائق المغترفين من بحر الحقائق
صاحب علمين، مقبول طائفتين، ابوالقاسم النصر آبادی...	صاحب علمين و مقبول الطائفتين، ابراهيم بن محمد ابوالقاسم النصر آبادی

نتيجه گيری

يکي از کتابهای مهم اما ناشناخته در زمينه اقوال و شناخت تاريخ تصوف، کتاب بياض و سواد سيرجانی است. اين اثر در ردیف آثاری از قبيل رساله قشيره و اللمع ابونصر سراج قرار دارد. خواجه علی حسن که در قرن پنجم هجری اين کتاب را تأليف کرده خود از بزرگان مشايخ

صوفیه است و به فراوانی سفر و دیدار با مشایخ معروف بوده است. کتاب بیاض و سواد سیرجانی که از هفتاد و سه باب تشکیل شده در برگزیده بیش از سه هزار فقره از اقوال مشایخ صوفیه است که بسیاری از آنها در جاهای دیگر نیامده است.

یکی از ابواب این کتاب، باب معرفت تاریخ مشایخ است که در آن ۷۸ تن از مشایخ صوفیه معرفی شده‌اند. از ویژگیهای این باب یکی این است که برای هر کدام از مشایخ یک یا دو لقب، که فشرده و ویژگی شخصیتی فرد مورد نظر است، آورده شده است. دیگر اینکه مشایخ را بر حسب منطقه جغرافیایی به هفت منطقه تقسیم کرده و تحت عنوان هر منطقه، شیوخ بزرگ آنجا را معرفی کرده است. تاریخ وفات بسیاری از مشایخ و مختصری از زندگی آنها نیز در این باب مطرح شده است که می‌تواند راهگشای محققان تاریخ تصوف باشد.

منابعی که خواجه علی حسن از آنها در تألیف این باب استفاده کرده است مشخص نیست اما مسلماً از کتابهایی مانند طبقات الصوفیه سلمی و مانند آن استفاده کرده و برخی مطالب را نیز از یادداشتهای خود در سفرها استخراج کرده است.

یکی از کسانی که از «باب معرفت تاریخ مشایخ» بیاض و سواد استفاده کرده، شیخ روزبهان بقلی شیرازی است که در کتاب شرح شطحیات خود، پاره‌ای از القاب مشایخ را از بیاض و سواد وام گرفته است.

منابع :

- ۱- انصاری هروی، خواجه عبدالله؛ طبقات الصوفیه، تصحیح محمد سرور مولایی، تهران: توس، ۱۳۶۲.
- ۲- ایران منش، پری؛ عرفای کرمان؛ تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲.
- ۳- بغدادی، اسماعیل پاشا؛ هدیه العارفین؛ استانبول: ۱۹۵۱.
- ۴- بقلی شیرازی، شیخ روزبهان؛ شرح شطحیات؛ تصحیح هنری کوربن، ۱۳۴۴.
- ۵- جامی، نورالدین عبدالرحمان؛ نفحات الانس من حضرات القدس؛ تصحیح محمود عابدی؛ تهران: اطلاعات، ۱۳۷۳.
- ۶- جمال الدین ابوروح لطف‌الله بن ابی سعید بن ابی سعد؛ حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر؛ تصحیح محمد رضا شفیعی کدکنی؛ تهران: آگاه، ۱۳۶۷.

- ۷- جنید شیرازی، معین الدین ابوالقاسم؛ شد الاراز فی خط الاوزار عن زوار المراز؛ تصحیح محمد قزوینی و عباس اقبال؛ تهران: مجلس، ۱۳۲۸.
- ۸- زرین کوب، عبدالحسین؛ ارزش میراث صوفیه؛ امیر کبیر، ۱۳۸۰.
- ۹- سمرقندی، مولانا کمال الدین عبدالرزاق؛ تصحیح محمد شفیع؛ لاهور: ۱۹۳۶.
- ۱۰- سلفی، حافظ ابی طاهر احمد بن محمد؛ معجم السفر؛ تحقیق عبدالله عمر البارودی؛ بیروت: ۱۹۹۳.
- ۱۱- عطار نیشابوری، فرید الدین؛ تذکر الاولیاء؛ تصحیح ر. انیکلسون، لیدن: ۱۹۰۵.
- ۱۲- کرمانی، افضل الدین ابو حامد احمد بن حامد؛ عقد العلی للموقف الاعلی؛ تصحیح علی محمد عامری نائینی؛ تهران: روزبهان، ۱۳۵۶.
- ۱۳- کلاباذی، ابوبکر محمد بن ابراهیم؛ التعرف لمذهب اهل التصوف؛ تصحیح عبدالحلیم محمود و طه عبدالباقی سرور؛ قاهره: ۱۳۸۰ هـ.
- ۱۴- لسترانج؛ جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی؛ ترجمه محمود عرفان؛ تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
- ۱۵- مایر، فریتس؛ ابوسعید ابوالخیر حقیقت و افسانه؛ ترجمه مهر آفاق بایبوردی؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۸.
- ۱۶- محمد بن ابراهیم؛ سلجوقیان و غزدر کرمان؛ تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی؛ تهران: طهوری، ۱۳۴۳.
- ۱۷- محمد بن منور؛ اسرار التوحید؛ تصحیح محمد رضا شفیع کدکنی؛ تهران: آگاه، ۱۳۶۳.
- ۱۸- مقدسی؛ احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم؛ لیدن: ۱۹۰۴.
- ۱۹- وزیر، احمد علی خان؛ تاریخ کرمان؛ تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی؛ تهران: علمی، ۱۳۶۴.
- ۲۰- هجویری، علی بن عثمان؛ کشف المحجوب؛ تصحیح و ژوکوفسکی؛ تهران: طهوری، ۱۳۷۸.

